نگاهی گذرا به کارنامه یکساله وزارت نفت

ما، نفت و راهی که می رویم

نفت و در کل منابع طبیعی یکی ازعناصری است که به اعتقاد عقلای جامعه منشأ بسیاری از معضلات اقتصادی و غیر اقتصادی است. لذا به دلیل گستره حوزه اثرگذاری نفت، پرداختن به آن باید از اولویت های اول سیاست گذاری های کلان باشد.این نوشتار به زوایایی از نحوه ی مواجهه ی نظام سیاست گذاری کلان ما با نفت می پردازد.

عده ای با مشاهده ی اوضاع نامطلوب اقتصادی و ردیابی آن وقتی به نفت می رسند این طور نتیجه می گیرند که ای کاش از همان ابتدا نفتی کشف نمی شد! وقتی نفت بلای جان ما شده، ما را تنبل بار آورده و بنیه تولیدی ما را تضعیف کرده است، وقتی در تب بیماری هلندی می سوزیم چرا باید چنین منابعی را استخراج می کردیم تا اکنون دچار نفرینشان شویم.

اما در مقابل دیدگاهی است که می گوید نفت و در کل منابع طبیعی فی نفسه خوب یا بد نیستند، بلکه همچون تیغ دو لبه می توانند موجب رشد و بالندگی یا سکون و حتی سقوط اقتصاد باشند. باید بدانیم این ابزار چه توانایی هایی دارد و می خواهیم از آن چه استفاده ای کنیم. این جاست که نقش برنامه به چشم می آید. یک برنامه ریزی عالمانه راه را نشان داده و تصمیم گیری های مقطعی را جهت می دهد.

در ادبیات اقتصاد توسعه این مباحث در چارچوب نظری نگرش های کوته نگرانه و بلند نگرانه به توسعه تدوین می‌شود. به این صورت که راه عبور از توسعه نیافتگی، دورنگری در فرایند های تصمیم گیری و تخصیص منابع دانسته می‌شود که در برابر آن تصمیم گیری های لحظه ای و سیاست گذاری های دستوری قرار می گیرد. برای دست یابی به قدرت تصمیم گیری دورنگر تمرکز روی سه نهاد علم، قانون و برنامه ریزی ضروری تر قلمداد شده است و لذا هرجا که از تقویت جایگاه این سه نهاد غافل مانده ایم یا در جهت رونق بخشیدن به علم گریزی، قانون گریزی و برنامه گریزی برآمده ایم، آثار نامطلوب آن را در اوضاع اقتصادی خود لمس کرده ایم و بالعکس.

یک مورد موفق در سیاست گذاری های دورنگرانه نفتی،کشور نروژ است. خیلی ها نمی دانند که این کشور از جمله تولیدکنندگان بزرگ نفت است. نروژی ها ازآغاز استخراج نفت با درایت تمام شعاری را سرلوحه ی کارشان قرار دادند و تا امروز به آن پای بند بوده اند. آن ها می گویند نفت سرمایه ای متعلق به تمام نسل هاست ولی منافع و سود حاصل از آن را هر نسل می تواند استفاده کند. بر اساس همین سیاست کلان و با توجه به شناخت دقیقی که از ظرفیت اقتصاد خود داشتند، درآمدهای نفتی شان را به حسابی خارج از نروژ واریز کرده و از محل آن به سرمایه گذاری در نقاط مختلف جهان پرداختند سپس سود ناشی از آن را به اقتصاد تزریق کردند. با این کار هم از منافع نفت بهره بردند و هم از عواقب سوء آن در امان ماندند.

*** وزرای نفت دولت گذشته در شرایطی سکان این وزارت خانه حیاتی را به دست گرفتند که پول های نفتی ما بلوکه می شد و یا اینکه ناچار به فروش تک‌محموله‌ای نفت بودیم و بعضا هفته ها یک محموله‌ی نفتی در دریا سرگردان می ماند تا فروش در همان محل سر بگیرد، اما در همین شرایط بحرانی هم می‌شد با تمرکز روی پروژه‌های دارای اولویت و پرهیز از وارد کردن تنش های سیاسی و تصمیم گیری های غیر کارشناسی همچون دستورات آنی برای ازدیاد تولید، هزینه های اضافی بر این صنعتِ در بحران وارد نکرد.**

ما نیز تلاش هایی برای تدوین برنامه های بلند مدت صورت داده ایم. از آن جمله سیاست های کلی نظام در بخش انرژی و برنامه پنجم توسعه است که مواد ۱۲۵ تا ۱۳۴ آن مستقیماً به بخش نفت و گاز اختصاص دارد. خاصیت این قبیل برنامه ها این است که در بلند مدت تعریف شده و آثار خود را هم بطور کامل در بلند مدت نشان می دهند.موارد قابل ذکر فراوانی در صنعت نفت و گاز ایران وجود دارد که از رهیافت این نظریه قابل توضیح است. می توان به وضوح مشاهده نمود در این موارد، که در ادامه خواهد آمد، حداقل یکی از سه نهاد علم، قانون و برنامه مغفول مانده اند.

به عنوان مثال یکی از مهم‌ترین چالش‌های سال‌های گذشته ما رقابت در برداشت از میادین مشترک نفت و گاز بوده است و هر دولتی که بر سر کار آمده برای بهبود اوضاع تلاش کرده است، اما برای نمونه وضعیت فعلی برداشت ما از پارس جنوبی و آزادگان که بزرگ‌ترین میادین گاز و نفت کشور هستند قابل تأمل است. پارس جنوبی بزرگ‌ترین میدان نفتی دنیاست و آن قدر اهمیت داشته است که در ماده ۱۲۵ برنامه پنجم توسعه از آن به عنوان اولویت اول برای بهره‌برداری و توسعه یاد شده است لکن در حال حاضر برخی برآوردها حاکی از برداشت سه برابری قطر در این میدان است. در یکی از این تحلیل‌ها نشریه اقتصادی «مید» با اشاره به افزایش ۱۵ برابری برداشت قطر از میدان گازی مشترک با ایران طی ۱۸ سال، میزان تولید گاز قطر از میدان مذکور در سال ۲۰۱۲ را ۱۵۷ میلیارد متر مکعب اعلام و پیش‌بینی کرد این رقم در سال ۲۰۱۵ به ۲۳۷ میلیارد متر مکعب برسد. البته در مقاطعی با کمک سرمایه‌گذاری خارجی میزان برداشت از میادین مشترک بهبود یافته، ولی در مورد آن قراردادها نیز سؤالات جدی وجود دارد به طوری که شاید زیان‌های وارده در اثر این رانت‌ها به مراتب بیش از عایدی‌های افزایش برداشت بوده است ون از آن جمله پرونده‌های فساد و رانتی است که همچنان باز هستند ولی متهمان اصلی آن آزادانه به فعالیت‌های مختلف اشتغال دارند. یعنی از یک سو در مقاطعی در راستای اهداف بلند مدت برنامه‌ریزی کرده‌ایم ولی از سوی دیگر در دام فساد و قانون گریزی افتاده‌ایم، به عبارت دیگر سهل‌انگاری بر برخورد با مفاسد سازمان‌یافته در حوزه‌های کلان بر عملکرد اقتصاد اثر گذاشته و برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته را با ناکامی در اجرا مواجه می‌کند.یکی دیگر از چالش های ایران در سالیان گذشته که در دولت دهم به اوج خود رسید بحث تحریم های خصمانه علیه کشورمان بود. اگر چه مجالی برای بررسی علل تحریم ها در این مطلب وجود ندارد اما نحوه مواجهه ما با این مساله حائز اهمیت است. باید توجه داشت که وزرای نفت دولت گذشته در شرایطی بحرانی سکان این وزارت خانه حیاتی را به دست گرفتند. در شرایطی که پول های نفتی ما بلوکه می شد و یا اینکه ناچار به فروش تک محموله ای نفت بودیم و بعضا هفته ها یک محموله ی نفتی در دریا سرگردان می ماند تا فروش در همان محل سر بگیرد، با این حال مدیران نفتی اوضاع را اداره کردند اما در همین شرایط بحرانی هم می شد با تمرکز روی پروژه های دارای اولویت و پرهیز از وارد کردن تنش های سیاسی و تصمیم گیری های غیر کارشناسی همچون دستورات آنی برای ازدیاد تولید، هزینه های اضافی بر این صنعتِ در بحران وارد نکرد. بنابر این چون هیچ نقشه راه و برنامه مدونی نداشته ایم، در شناسایی اولویت ها در شرایط بحرانی دچار سردرگمی شده ایم.

مثال های فراوان دیگری وجود دارد که امکان و الزام بررسی دارند، اما نکته مشترک همه این مشکلات در این است که بدانیم و باور کنیم نفت و منابع طبیعی هدیه ای است خداوندی که متعلق به همه ی نسل های این سرزمین است و باید از آن صیانت شده و در چارچوب برنامه هایی دورنگر برای آن تصمیم گیری شود. امروز صنعت نفت و گاز وارث تجربه هایی است که به واقع گران به چنگ آمده است، این خود مسئولیت ما را دو چندان می کندو قطعاً هیچ سهل انگاری در سیاست گذاری های آتی بخشودنی نخواهد بود.

وقتی متخصص‌ها هم بیسوادند...!

رئیس جمهور کشورمان در تبلیغات پیش از انتخابات گفته بود کسانی که بدون بلیت به قطار دولت سوار شده اند را پیاده خواهد کرد ! البته، حجت الاسلام روحانی، بلافاصله پس از بیان این جمله، یادآور شده بود که «همه آن عزیزانی که در این ۸ سال [منظور ۸ سال رئیس جمهور قبل است] کار و تلاش کردند و شایسته هستند، در برابر آنها تواضع می‌کنم و از آنها استفاده خواهد شد. در دولت آینده از همه مدیران شایسته و متعهد استفاده خواهد شد.»

اما ظاهراً در عمل مسئولین اجرایی کشور تصمیم گرفته‌اند که مدیران و حتی تازه شاغلین دولت قبل را برکنار کنند. از ابطال بخشنامه های استخدامی قانونی دولت قبل و بیکار کردن هزاران نفر گرفته تا برکنار کردن مسئولان و مدیران ارشد دولتی. این عزل و نصب های دامنه دار موضعگیری های فراوانی را در پی داشت؛ امامان جمعه و نمایندگان مجلس، تمام قد علیه این قبیل اقدامات غیرکارشناسی و شتابزده دولت واکنش نشان دادند. یکی از نمایندگان مجلس در این خصوص گفت: «باید مواظب باشیم که رکورد عزل و نصب‌هایمان در کتاب گینس ثبت نشود و تجربه دوران اصلاحات که همه افراد حتی در مشاغل پایین هم جا به جا شدند تکرار نشود» !

در این بین اگرچه معاون اول رئیس جمهور با عقب‌نشینی از مواضع اولی دولت، به بخشی از استخدامی های دولت گذشته مشروعیت بخشید (!) و دستور اجرایی شدن مصوبات قانونی قبلی را صادر کرد، اما برخی وزیران دولت، با در پیش گرفتن رویکردی عقده گشایانه، به عزل و نصب های غیرکارشناسی و سیاسی خود ادامه دادند. وزیر علوم برکنارشده دولت جدید، یکی از این وزرا بود که پای عناصر غیرعلمی و فتنه ای را به وزارتخانه و دانشگاه ها باز کرد و اتفاقا همین موضوع یکی از دلایل استیضاح وی بود.داستان وزیر نفت اما در این بین، داستان دیگری است ! بیژن زنگنه، نه تنها سیل وار دست به عزل و نصبهای مداوم زده است، بلکه توهین و ناسزاگویی را هم نثار مدیران متخصص و متعهدی کرده است که تنها جرمشان این بوده که در دولت گذشته مدیر بوده اند! این همه ماجرا نیست؛ زنگنه با نیشخند و کنایه، هنوز هم از عملکرد ناصواب خود دفاع میکند. لذا وزیر نفت باید که مدیران سابق را هر روز عزل کند و به جای آنها افراد جدید را بگمارد، چرا که تکمیل این پروسه، چنین چیزی را می طلبد.

وزیر نفت، اخیراً در برنامه تلویزیونی پایش اظهارنظرهایی اینگونه داشت: «بی سوادان را برکنار کردم و به جای آن با سوادان را منصوب کردم»، «برکنار شده ها صلاحیت لازم را نداشتند» و «بخور بخور با آمدن وزیر جدید نفت خاتمه یافت» !

این نکته بر کسی پوشیده نیست که هر وزیری می‌تواند مدیران متخصص و هماهنگ با خود را برای مسئولیت های رده بالای وزارتخانه انتخاب نماید، اما این که مدیران و متخصصان شاغل در وزارتخانه را آماج تهمت های ناروا قرار دهد، رویه معمول و پسندیده ای نیست و ظنهای گفته شده در بند قبلی این مطلب را قریب به یقین می نمایاند.در رد ادعای اقای زنگنه مبنی بر بیسواد و غیرمتخصص بودن مدیران برکنار شده، شواهد و مستندات بسیاری است، اما جدول مقابل، گویای این مطلب است که آقای زنگنه ادعای واهی نموده و با نسبت ناروا به کارشناسان و متخصصین وزارت نفت به دنبال توجیه رفتار سیاسی و باندی خود بوده است.

ردیف	نام و نام خانوادگی	تحصیلات	وضعیت استخدامی	آخرین سمت اجرایی
۱	عبدالحسین بیات	فوق لیسانس MBA و لیسانس مهندسی مکانیک از دانشگاه کانادا و دانشگاه نفت	رسمی وزارت نفت	معاون وزیر و مدیر عامل شرکت پتروشیمی
۲	مهدی فکور	فوق لیسانس از دانشگاه نفت	رسمی وزارت نفت	مدیر عامل شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب
۳	محمد رضا زهیری	دکتری ازدانشگاه نفت	رسمی وزارت نفت	مدیر عامل شرکت نفت و گاز پارس
۴	نادر قربانی	فوق لیسانس از دانشگاه نفت	رسمی وزارت نفت	مدیر عامل شرکت مهندسی و توسعه نفت
۵	حمید رضا گلپایگانی	فوق لیسانس از دانشگاه نفت	رسمی وزارت نفت	مدیر عامل ملی حفاری
۶	محمود نیکو سخن	فوق لیسانس از دانشگاه شهید بهشتی	رسمی وزارت نفت	معاون امور مالی شرکت ملی نفت
۷	جلیل سالاری	فوق لیسانس مهندسی شیمی از دانشگاه تهران	رسمی وزارت نفت	معاون مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش
۸	عزت‌الله جودکی	دکتری شیمی از دانشگاه نفت	رسمی وزارت نفت	مدیر پژوهش و فناوری
۹	شهرام اسدپور	فوق لیسانس مهندسی مکانیک از دانشگاه تهران	رسمی وزارت نفت	مدیر طرحCNG
۱۰	سیدعلی میرقادری	مهندسی شیمی از دانشگاه نفت	رسمی وزارت نفت	مدیر عامل پالایشگاه امام خمینی (ره)
۱۱	مسلم رحیمی	مهندسی شیمی از دانشگاه صنعت نفت	رسمی وزارت نفت	مدیرعامل پالایشگاه آبادان
۱۲	رضا الماسی	کارشناسی ارشد MBA از فرانسه	رسمی وزارت نفت	مدیر عامل شرکت انتقال
۱۳	سید علی شاهچراغی	دکتری حقوق	رسمی وزارت نفت	رئیس کل امور حقوقی شرکت ملی صنایع پتروشیمی
۱۴	یدالله کریمی	فوق لیسانس مدیریت و دکتری IT	رسمی وزارت نفت	. مدیر منابع انسانی
۱۵	شهرام رضایی	فوق لیسانس کامپیوتر	رسمی وزارت نفت	مدیر فنی سامانه کارت سوخت

مصائب نفت سیاسی!

ایران کشوری است وسیع که همچون یک کشتی بزرگ بر پهنه ای سرشار از منابع خدادادی نفت و گاز شناور است. وابستگی استراتژیک و تاریخی اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی، این صنعت پرحاشیه را به لنگری غول‌آسا مبدل ساخته است که ثبات یا تزلزل این کشتی پهن‌پیکر را رقم می‌زند.طبق آخرین آمارهای ترازنامه انرژی منتهی به سال ۱۳۹۱ ذخایر قابل استحصال نفت خام و میعانات گازی ایران بیش از ۱۵۶ میلیارد بشکه با عمر حدودا ۹۶ سال برآورد شده است که ۹ درصد از ذخایر نفت جهان و ۱۳ درصد از منابع اوپک را تشکیل می دهد و ازاین حیث ایران پس از ونزوئلا، عربستان و کانادا در جایگاه چهارم جهان و سوم اوپک قرار دارد.گفتنی است ایران درسال های گذشته درجایگاه دوم جهان قرارداشت که باکشف ذخایرنفتی جدیدولحاظ نمودن ذخایر غیرمتعارف درکشورهای ونزوئلاوکانادا کاهش رتبه را تجربه کرده است.همچنین تا پایان سال ۹۰ ذخایر گاز طبیعی قابل استحصال کشور ۳۳/۷۹ تریلیون متر مکعب برآورد شده است که ایران را پس از روسیه در جایگاه دوم جهان قرار می دهد. نکته بسیار مهم این است که بیش از ۶ تریلیون متر مکعب از این ذخایر با کشورهای همسایه مشترک می باشد که به طور منطقی توجه و سرمایه‌گذاری بیشتری می‌طلبد.

کارنامه ژنرال

هر چند از سال‌ها پیش متولیان امور کراراً بر جدا کردن تکیه‌گاه اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی اصرار ورزیده و در بازه‌های مختلف زمانی به این هدف نزدیک یا از آن دور شده‌اند، لکن همچنان صنعت نفت به عنوان محور تولید و صادرات ذخایر هیدروکربنی، با عنایت به ابعاد وسیع حوزه فعالیت خود، منبع اصلی درآمد و به نوعی سکان‌دار حرکت عظیم اقتصادی کشور محسوب می‌گردد که رونق یا رکود آن تعیین کننده اوضاع اقتصادی است.

وزارت نفت به عنوان مرکز ستاد فرماندهی مجموعه صنعت نفت، به دلایل فوق، مکانی مطلوب برای آمد و شد افرادی با سلایق و گرایش‌های متنوع است که کارکرد آن‌ها بر سرعت پیشرفت کشور تأثیر مستقیم دارد. بررسی عملکرد وزرای این دستگاه کلیدی نشان می‌دهد تفاوت نگرش‌ها به توسعه این بخش محمل فراز و فرودهای بسیاری بوده است. با گذشت یک سال از عمر دولت یازدهم لازم است نتایج وعده‌ها و تصمیمات وزیر نفت در چند زمینه و در نسبت با وضعیت سالیان گذشته بررسی گردد.

حضور بیژن زنگنه با ۲۳ سال سابقه اجرایی به عنوان شیخ‌الوزرای کابینه یازدهم در وزارت نفت انتظارات را از وی بالا می‌برد و به خاطر همین تجربه طولانی است که تکرار خطای فاحش محاسباتی در تصمیم‌گیری و اجرا از وی پذیرفته نیست.

اعتماد به وعده‌ها

علی‌رغم اعتراضات فراوان نمایندگان مجلس به عملکرد زنگنه به دوره قبل حضور وی در وزارت نفت و خصوصا انعقاد قراردادهای مشکوک، موفق شد پس از حمایت شدید روحانی از وی در مجلس شورای اسلامی، با ۱۶۶ رأی موافق و ۱۰۴ رأی مخالف از سوی نمایندگان مجلس به عنوان وزیر نفت دولت یازدهم شناخته شود و از مرداد ۹۲ کار خود را آغاز کند.

زنگنه برنامه پیشنهادی خود برای اداره وزارت نفت را در دو بخش کوتاه مدت و بلندمدت ارائه کرد. افزایش صادرات نفت، احیای ظرفیت تولید نفت خام کشور به میزان سال ۱۳۸۴ (۴ میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه در روز)، توسعه فازهای اولویت دار پارس جنوبی، اصلاح ساختار قراردادهای نفتی، رفع موانع تولید و صادرات محصولات پتروشیمی، رفع موانع صادرات میعانات گازی و LPG، تلاش برای توسعه مرحله به مرحله پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس، به عنوان برنامه‌های کوتاه مدت وی بیان شد. زنگنه در برنامه بلندمدت خود، وعده افزایش ظرفیت تولید نفت و گاز صیانت شده با هدف افزایش و یا حداقل حفظ سهم ایران در بازار جهانی نفت و ارتقای جایگاه کشور در اوپک، افزایش بهره‌برداری و استفاده حداکثری از میادین مشترک، اولویت دادن به تأمین گاز مورد نیاز برنامه‌های تزریق به میادین نفت، تغییر رویکرد از صادرات نفت خام به صادرات فرآورده‌های با ارزش افزوده بالا و ایجاد فرصت بیشتر برای بخش خصوصی به منظور مشارکت در تجارت نفت و گاز را داد.

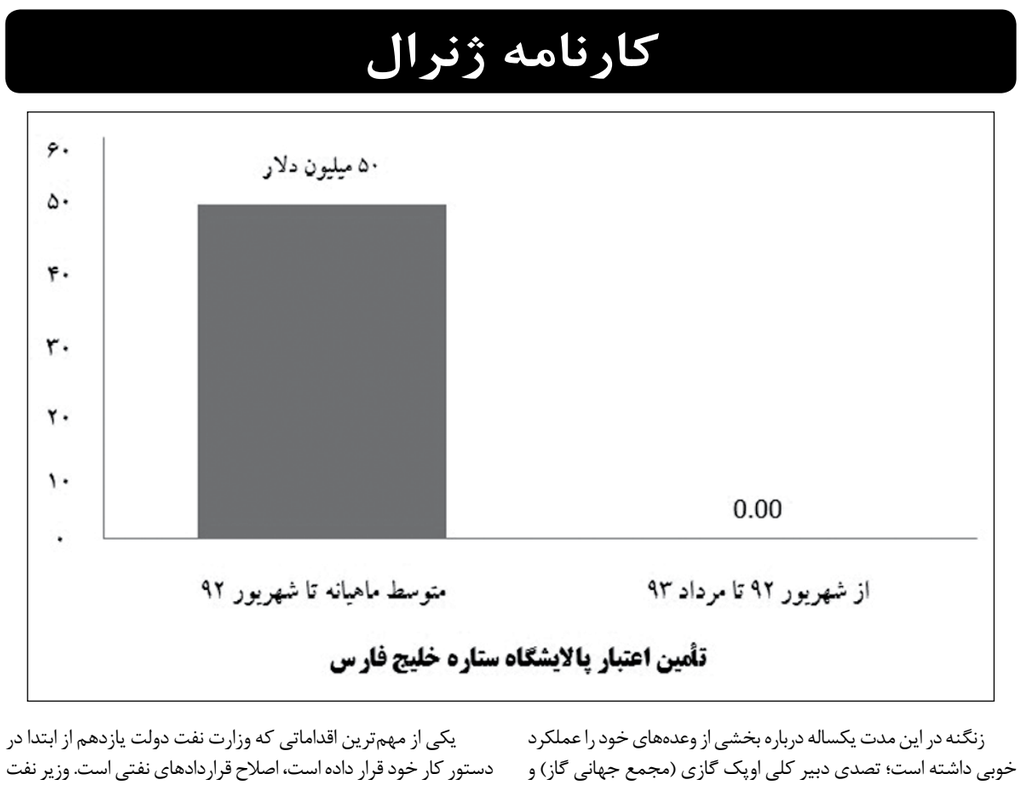

زنگنه در این مدت یکساله درباره بخشی از وعده‌های خود را عملکرد خوبی داشته است؛ تصدی دبیر کلی اوپک گازی (مجمع جهانی گاز) و بهبود جایگاه ایران در بارز بین‌المللی گاز، تمرکز بر روی توسعه فازهای اولویت دار پارس جنوبی، تقویت دیپلماسی انرژی و تلاش برای عقد قرارداد مبادله پایاپای کالا با روسیه، عرضه نفت خام و میعانات گازی در بورس انرژی وقیمت‌گذاری محصولات پالایشگاه‌ها بر اساس کیفیت از جمله اموری است که در این فرصت یکساله به آن‌ها پرداخته شده است.

اما همان‌طور که ذکر شد آنچه بیش از هر چیز بر روند توسعه صنعت نفت اثرگذار است، نوع نگاه وزرای نفتی به این حوزه و راهکارهای پیشرفت فنی در آن است. یکی از انتقادات جدی به زنگنه که در واقع به مجموعه دولت وارد است، نگرش افراطی به تأثیر بهبود روابط خارجی بر اوضاع اقتصادی صنعت نفت وامیدواری زیاد به بازگشت شرکت‌های خارجی و لغو تحریم‌ها و غفلت از استفاده از توان داخلی برای توسعه میدان‌های نفتی و کشور است.به همین دلیل است که یکی از مهم ترین اقدامات زنگنه در شروع کار به عنوان وزیر نفت، مذاکره با شرکت‌های عظیم بین‌المللی حاضر در صنعت نفت و گاز جهان جهت حضور مجدد در پروژه‌های نفت و گاز ایران و جلوگیری از فروش نفت توسط بخش خصوصی (واسطه‌ها) بوده است.

یکی از مهم‌ترین اقداماتی که وزارت نفت دولت یازدهم از ابتدا در دستور کار خود قرار داده است، اصلاح قراردادهای نفتی است. وزیر نفت به شدت امیدوار بوده و هست که با اصلاح قراردادهای بیع متقابل و ارائه امتیازاتی به شرکت‌های خارجی برای جذب آن‌ها، زمینه بازگشت این شرکت‌ها به صنعت نفت کشور رافراهم کند.

امیدواری بیش از حد مدیران ارشد وزارت نفت به لغو تحریم‌ها واصلاح قراردادهای نفتی به عنوان ابزاری برای لغو تحریم‌ها و نجات صنعت نفت در آینده نزدیک در حالی است که اکثر کارشناسان اعتقاد دارند بازگشت شرکت‌های خارجی شدیداً منوط به لغو تحریم‌هاست و حتی در صورت لغو تحریم‌ها در آینده نزدیک، فرآیند بازگشت این شرکت‌ها و امضای قرارداد با آن‌ها، ماه‌ها به طول خواهد انجامید.

جالب تر آن که زنگنه در همایش گرامیداشت شهید تندگویان اظهار کرده بود: هیچ ادعایی مبنی بر صادق بودن آمریکا در روابطش با ایران مطرح نشده و به طور کلی در روابط دیپلماتیک، صداقت هیچ جایگاهی ندارد و تنها اصل، دستیابی به منافع ملی و حفظ آنها از روش‌های ممکن است، اما گویا این اصل تنها در مقام سخنوری قابلیت استفاده دارد و نه در میدان عمل.

ستاره‌ای که افول کرد

در یک سال اخیر نمونه‌های تأمل برانگیز فراوانی وجود دارند که تحت تأثیر همین نگاه مبتنی بر اصل نامیمون "ما نمی‌توانیم" ضربات جبران ناپذیری را تحمل کرده‌اند. یکی از این موارد توسعه صنعت پالایشگاهی کشور خصوصاً پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس می‌باشد که اتفاقا از وعده‌های وزیر نفت در جلسه رأی اعتماد بود.سایت تحلیلی عیار آنلاین در بررسی عملکرد زنگنه در این مورد آورده است: علی‌رغم دیدگاه خاصی که زنگنه درباره اقتصادی نبودن توسعه پالایشگاه‌ها در دوران اصلاحات داشت و در حال حاضر نیز همچنان دارد ولی در سال گذشته، تلاش برای فعال کردن و به نتیجه رساندن مرحله به مرحله پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس را یکی از برنامه‌های اولویت دار خود در کوتاه مدت قرارداد و به تغییر رویکرد از صادرات نفت خام به صادرات فرآورده‌های با ارزش افزوده بالا نیز در برنامه‌های بلندمدت خود تاکید کرد. با وجود این، زنگنه در یک سال اخیر صرفاً بارها به انتقاد از نحوه توسعه پالایشگاه میعانات گازی ستاره خلیج‌فارس در دولت قبل پرداخته است و اسفندماه سال ۹۲ نیز از این پالایشگاه بازدید کرده است، اما ساخت این پالایشگاه در دولت یازدهم نیز سرعت قابل قبولی نداشته است.

دولت یازدهم این طرح را با پیشرفت ۶۷ درصدی از دولت قبل تحویل گرفت و طبق اعلام شاهرخ خسروانی، معاون مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران، این رقم در خردادماه ۹۳ به ۷۵ درصد رسید. ساخت پالایشگاه میعانات گازی ستاره خلیج‌فارس در سال ۸۵ آغاز شد و قرار بود تا پایان سال ۹۱ به بهره‌برداری کامل رسیده و ایران را با پشتوانه تولید روزانه ۳۶ میلیون لیتری بنزین این پالایشگاه به یکی از صادرکنندگان عمده بنزین در جهان تبدیل کند. عدم تحقق این برنامه، به گفته علیرضا ضیغمی، معاون سابق وزیر نفت در امور پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی، متأثر از تزریق نشدن به موقع سرمایه به این پروژه بود.

علاوه بر تحلیل آماری فوق، اسنادی وجود دارد که نشان می‌دهد پروژه پالایشگاه ستاره خلیج فارس با پیشرفت ۷۱ درصدی به دولت یازدهم تحویل شده است و پس از گذشت یک سال تنها ۴،۵ درصد پیشرفت داشته است و اما نکته تکان دهنده آنجاست که طبق این اسناد، تا شهریور ۹۲ بطور متوسط ماهیانه ۵۰ میلیون دلار برای این طرح کلان تأمین مالی می‌شده است اما از شهریور ۹۲تا مرداد ۹۳ هیچ مبلغی به پروژه تزریق نشده است و این در حالی است که وزیر نفت اعلام کرده بود مشکلی برای تأمین مالی پروژه ها نداریم!این نمونه و مواردی از این دست که متأسفانه کم نیستند مهر تأییدی است بر لزوم خودباوری مسئولان تا به جای امید بستن به دیگران، به نیرو و توان داخلی تکیه کنند، همانطور که همین انرژی‌های درونی توانستند ستاره خلیج فارس را در شرایط سخت قهر و تحریم بیگانگان روشن نگاه دارند.

با «بحران» چگونه برخورد کنیم؟

تا به حال در شرایطی بحرانی و خطرناک قرارگرفته‌اید؟ دعوای خانوادگی، مشکلات اداری، بانکی، حادثه رانندگی، سرقت، حمله اوباش و... کمی فکرکنید و واکنش خود را، در آن زمان، به یاد آورید. آیا پرخاش کرده و عصبانی شدید، تسلیم شدید، یا با قدرت و قاطعانه مشکل را حل کردیم؟

واکنش مناسب نشان دادن، بستگی به عوامل زیادی دارد. رسیدن به درگیری فیزیکی، آخرین مرحله از سلسله مراحل متعددی است، که قبل از آن، بالقوه وجود دارند. بیشتر کسانی‌که قربانی درگیری‌های خشونت‌آمیز می‌شوند، درحقیقت خودشان یکی از عناصر وقوع آن هستند، چون روند شکل‌گیری خشونت را تشخیص نمی‌دهند.

گرچه، دلایل متعددی برای وقوع حادثه‌ای خشن، می‌توان برشمرد، اما بی‌تردید یکی از عمده‌ترین علت‌ها، خطای قربانی در برخورد مناسب است (تغییر حالت ناخواسته او از طبیعی به پرخاشگری).

به مجردی که قربانی عصبانی شد و شروع به پرخاش و داد و فریاد در جهت احقاق حق یا حفظ امنیت خود کرد، در عمل شعله خشونت را روشن کرده است (البته برای افراد عادی این یک واکنش طبیعی است).

در وضعیتی که دچار اضطراب هستیم و ضربان قلب تند شده و تنفس نامنظم (در فضایی ملتهب وآکنده از خشونت)، بهترین راه چاره، مدیریت آن است (مدیریت بحران، شاید عقب‌نشینی، سکوت، بی‌توجهی یا داد و فریاد و... باشد، به شخص و اوضاع بستگی دارد).

بیشتر اشخاص در شرایط بروز بحرانی عصبی و روحی، نمی‌توانند راه حلی مناسب و درست پیدا کنند و شیوه صحیحی را برگزینند، چون آنان دانش مدیریت بحران و جلوگیری از خشونت را ندارند.

اگر قدرت تشخیص وضعیت روحی طرف مقابل یا جمعی که در آن قرار گرفته‌ایم را داشته باشیم (قبل از رسیدن به مرحله بحرانی)، یعنی میزان خشم او/آنان را درک کنیم، شاید بتوانیم با اتخاذ تصمیمی درست به سوی پایان دادن خطر بحران برویم. در بعضی مواقع، یک لبخند ساده برای غلبه بر بحران، نشان از صلابتی پیروزمندانه دارد. هر چند برخی افراد آن را رفتاری احساسی قلمداد می‌کنند، ولی عملی پخته و سنجیده و حرکتی خردمندانه است که از شعور انسانی آگاه سرچشمه می‌گیرد.

نمی‌توان براساس نشانه‌های جزیی وارد عمل دفاع یا مقابله به مثل شد. هیچگونه عمل خشونت‌بار به عنوان دفاع وجود ندارد. شاید نتیجه یک درگیری خشونت‌بار، یک عمر پشیمانی باشد. باید شک، تردید و دودلی را برطرف کرد و به شعور و تدبیر اتکا نمود.

یکی از روش‌های بسیار مؤثر و مفید در مجموعه تعلیمات مدیریت بحران، شیوه کلامی است. باید روش‌های گفت‌وگو (دهن به دهن شدن) با دیگران را یاد بگیریم. مهارت کلامی در برخی از رویارویی‌ها یا تعرضات خصمانه، موجب متوقف ساختن طرف متخاصم و ختم به خیر شدن ماجرا، قبل از ورود به مرحله درگیری و خشونت است.

بدون شک، در خیلی از موارد، این شیوه مثل جادو عمل کرده و چنان ثمربخش بوده، که قربانیانی که آن را به کارگرفته‌اند، از قدرت‌اش متحیر شده بودند.

اغلب جنایتکاران وخلافکاران، وارد درگیری لفظی و کلامی می‌شوند تا میزان قدرت و توانایی طعمه خود را بسنجند. اکثر قریب به اتفاق خلافکاران از رویارویی با فردی محکم و قوی روی‌گردانند و ترجیح می‌دهند سراغ افراد ضعیف و نحیفی بروند که درصد برتری بر آنها زیاد است.

برخی موارد، گفت‌وگوی دوستانه در جریان است، ولی در اثر شوخی‌های نابه‌جا تبدیل بحرانی خشن و خصمانه می‌شود.

برای نجات خود، باید شیوه‌ای را انتخاب کرد طوری‌که خودمان نیز از نحوه عملمان، متعجب شویم. نباید تابع جریان بحران شویم و واکنشی احساسی نشان دهیم. الگوهای رفتاری خود را در رویارویی با بحران شوم بشکنیم. به هر حال باید راهی پیدا کرد.

ساده‌ترین مثال اینگونه رفتار، تبسم زدن و خندیدن به طعنه وکنایه‌های ناچسب مهاجم، به جای بی‌تفاوتی است. در هرصورت به کاربردن تدبیری عاقلانه برای خروج در اولین فرصت، باید فکر اصلی باشد.

چند راهکار در رابطه با شرایطی که حس درونی‌مان اعلام خطر می‌کند:

الف - از قرارگرفتن در موقعیتی که احتمال پیش‌آمدن اتفاقی ناگوار مثل: درگیری خصمانه به‌ویژه با فردی آشنا وجود دارد، پرهیز کنیم؛ در صورت اجبار، با نقش بازی کردن و تظاهر، اوضاع را به نفع خود تغییر داده و در اولین فرصت از صحنه خارج شویم.

ب – گذراندن وقت با کسی که احساس راحتی و آرامش نداریم و اغلب بودن درکنار او سؤظن و نگرانی در ما ایجاد می‌کند را تا حد ممکن کوتاه کرده و در صورت امکان حذف نماییم.

ج - گفت‌وگو در موضوعات مختلف، تغییر مسیر بحث، استفاده از مهارت‌های کلامی در مُجاب کردن یا منحرف ساختن حواس اشخاص دیگر را تمرین کنیم. چگونگی خروج از موقعیت‌های مشکوک حتا فرار از چنگ افراد آشنا و ناآشنا را بیاموزیم.

د - برای پیدا کردن آمادگی لازم، درباره موقعیت‌های احتمالی که موجب آزار روحی و یا جسمی می‌شوند، با افراد متخصص و باتجربه مشورت کنیم. تصویرسازی ذهنی، نوعی آمادگی به حساب می‌آید که در صورت قرارگرفتن در هر وضعیت بغرنجی، توان مقابله و دفاع را، چه کلامی چه فیزیکی، بالا می‌برد.

آیا اِعمال خشونت در مدیریت بحران نتیجه دارد؟

خشونت و دفاع، دو فرایند متضاد هستند؛ یعنی برای دفاع از خود نمی‌توان دست به خشونت زد، بلکه در برابر خشونت، باید از خود دفاع کرد. درک و فهم هردو مفهوم و اختلافات بالقوه موجود در هر یک، کمک بزرگی در روبه‌رو شدن با وضعیتی بحرانی و مهار آن است. اگر هرکس برداشت نادرستی از مفاهیم خشونت و دفاع داشته باشد؛ به سادگی، هنگام دفاع، راه اشتباه را پیش گرفته و بی‌درنگ وارد فاز خشونت می‌گردد.

مهار بحران‌های بالقوه خشن، چون با موضوعی پیچیده روبه‌رو هستیم، توسل به خشونت به حادثه در شرف وقوع ابعاد وسیع‌تری داده و آن را غیرقابل مهار می‌کند. یکی از روش‌های موثر تامل و خونسردی برای برون رفت از بحران پیش آمده است.

خشونت، ابزار پرخاشگری است. فرد عصبی و پرخاشگر دست به خشونت می‌زند. شخص قاطع و محکم از زور خود، برای مهار خشونت بهره می‌برد. خط حایل بین خشونت و دفاع، بسیار باریک است. بسیاری از افراد، در وضعیتی سرشار از تهدید و خطر، به سادگی، دست به خشونت بی‌معنی می‌زنند، و براین باورند که از خود دفاع کرده‌اند. در هر نوع دفاع، توسل به زور، روشی است که می‌توانیم انتخاب یا از آن پرهیز نماییم.

اتخاذ تصمیم به درگیری لفظی یا فیزیکی بستگی به ما دارد. هرکسی نتیجه عمل‌اش را می‌گیرد. نمی‌توان آشکارا گفت چه باید کرد: هر موقعیتی برای خودش منحصر به فرد است. ولی آن چه مسلم است این که شناخت و تجربه و استفاده از پتانسیل‌های احتمالی موجود در محیط و آزادسازی آنها در جهت فرونشاندن و مهار و مدیریت بحران، مهمترین موضوع است.

دکتر افشین طباطبایی
پژوهشگر مسایل اجتماعی